

## تحلیل تیپ و دگردیسی شخصیت قهرمان و اشخاص رمان هستی بر پایه نظریه انیاگرام

\*علی اکبر سام خانیانی<sup>۱</sup> - معصومه شهبابیان<sup>۲</sup> - ابراهیم محمدی<sup>۳</sup>

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: [asamkhaniani@birjand.ac.ir](mailto:asamkhaniani@birjand.ac.ir)

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، ایران.

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، ایران.

### اطلاعات مقاله (۲۲۰-۱۹۳) چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی	یکی از مهم‌ترین موضوعات در نقد رمان تحلیل تیپ شخصیتی قهرمان و اشخاص داستان است. گاه شخصیت قهرمان و اشخاص دچار دگرگونی می‌شود. اگر این دگرگونی سیر تکاملی داشته باشد با الهام از علوم طبیعی دگردیسی شخصیت خواننده می‌شود که در آن قهرمان یا شخصیت‌ها حائز تیپ برتر می‌شوند. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی دگردیسی تیپ قهرمان و شخصیت‌های اصلی رمان هستی اثر فرهاد حسن‌زاده از دیدگاه انیاگرام تحلیل شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هستی، قهرمان داستان، پیش‌فرض‌های اجتماعی و هنجارهای کلیشه‌ای جنس خود را به تعلیق درمی‌آورد و در چالشی همه‌جانبه با امداد مادر، خاله و دایی بر مشکلات غلبه می‌کند و با تکمیل مرحله دگردیسی به قهرمان و ناجی خانواده و اجتماعش تبدیل می‌شود. با تحلیل عناصر شخصیت‌شناختی هستی و تطبیق آن با نظریه انیاگرام، «هستی»، دختری دارای ویژگی‌های تیپ ۴ است که بعد از حوادث داستان به سمت بال ۳ می‌رود. مادر، خاله و دایی هستی تیپ شخصیتی ۲ دارند و از آغاز تا پایان داستان تیپ شخصیت خود را حتی با تغییر شرایط و شروع جنگ حفظ می‌کنند. پدر هستی فردی دارای تیپ ۱ ناسالم است که با آرامش به سمت تیپ ۷ خوشخو دگردیسی می‌یابد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵	
واژه‌های کلیدی: تحلیل شخصیت دگردیسی شخصیت رمان هستی انیاگرام	

## ۱. مقدمه

داستان، متنی است که نویسنده آن تلاش می‌کند با چیدمانی خاص از واقعیت‌ها و برجسته‌سازی آنها و گنجاندن اندیشه، ایدئولوژی و برانگیختن احساسات در واقع روایتی دیگر از بودن و زیستن ارائه نماید. این چیدمان در قالب عناصر ساختاری داستان و فنون روایت‌شناختی ارائه می‌شوند. نویسنده کتاب «فن داستان‌نویسی» داستان را نوشته‌ای می‌داند که در آن اشخاص خاصی و حوادثی متقابلاً بر هم تأثیر می‌گذارند تا روایتی معنی‌دار را شکل دهند. (سلیمانی ۱۳۷۴: ۱۴۶) داستان‌ها از نظر نوع، حجم، ساختار روایی و عناصر سبک‌شناختی و مکتب‌شناختی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. قالب داستان در طول سالیان طولانی بر اساس نیاز مردم و تحولات اجتماعی، ادبی، هنری و ... به انواع مختلفی تقسیم شد که یکی از آنها رمان است. رمان مبین و مفسر زندگی واقعی انسان‌ها است از همین رو یکی از بدیع‌ترین و برجسته‌ترین اشکال ادبی عصر حاضر به شمار می‌آید. (روزبه ۱۳۸۱: ۲۴) در این میان رمان‌هایی هستند که واقعیت‌های اجتماعی را به چالش می‌کشند و به طور خاص تغییرات فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک را پی می‌گیرند.

فرهاد حسن‌زاده یکی از داستان‌نویسان صاحب‌نام در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است که در داستان‌هایش آرمان‌های خاصی را مطرح و تلاش کرده است افکار، کنش و منش شخصیت‌ها، دگراندیشی، تغییرخواهی و ایدئولوژی خاص خود را با شخصیت‌آفرینی بیان نماید. «هستی» عنوان رمانی خانوادگی موفق از فرهاد حسن‌زاده است که قهرمان اصلی آن دختری به همین نام است و به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شده است. این کتاب داستان دختری اهل آبادان است که در مقایسه با دختران دیگر دارای ویژگی‌های متفاوتی می‌باشد. او از داشتن عروسک، استفاده از زیورآلات و غیره تنفر دارد و در مقابل عاشق فوتبال، ژیمناستیک، موتور سواری، دوست داشتن شغل مکانیکی، رانندگی و اموری است که در کارهای پسرانه دسته‌بندی می‌شود. داستان این‌گونه آغاز می‌شود: هستی و پدرش در حال برگشت از بیمارستان به خانه هستند. دست هستی در بازی فوتبال شکسته است و پدرش با بردن او به بیمارستان از سفر به ژاپن بازمانده است. پدرش دائم در حال سرزنش کردن هستی است و او را با نام تحقیرآمیز «ادبار» (بدبختی) صدا می‌کند. مادر هستی باردار و منتظر به دنیا آمدن فرزندش است. جنگ ایران و عراق تازه شروع شده و آبادان توسط عراق بمباران می‌شود. در قسمت‌های مختلف داستان، هستی فرشته نجات خانواده‌اش می‌شود. خانواده هستی بعد از تخریب منزلشان، به خانه مادربزرگ مادریش «بی‌بی» می‌روند. خاله‌ای به نام نسرین دارد که

در تهران دانشجوی و مشغول به کار است و یک دایی به نام جمشید. این دو شخصیت همیشه کمک‌حال هستی و خانواده‌اش هستند و هستی علاقه شدیدی به آنها دارد. با پیشروی نیروهای عراق، دایی جمشید از پدر هستی می‌خواهد خانواده‌اش را با موتورش به ماهشهر ببرد و بعد از اسکان خانواده، موتورش را به او بازگرداند. خانواده هستی به ماهشهر می‌روند و درگیر مشغله‌های خود می‌شوند. پدر هستی از برگرداندن موتور دایی جمشید که خراب شده است صرف‌نظر می‌کند. هستی در ماهشهر با دختری به نام لیلا آشنا می‌شود که برادری به نام شاپور دارد و با هم جودو تمرین می‌کنند. در یکی از روزها، هستی به خاطر درگیری با پدرش خانه را ترک می‌کند و تنها با موتور به آبادان برود. وقتی به آبادان می‌رسد با دایی جمشید و خاله‌اش مواجه می‌شود از طرفی پدرش که نگران او بود برای برگرداندن هستی به آبادان می‌رود. هستی سعی می‌کند از دست پدرش فرار کند اما طی اتفاق‌هایی پدرش راز خود را به هستی می‌گوید و رابطه هستی و پدرش یک رابطه دوستانه می‌شود. در هنگام بازگشت به ماهشهر دایی جمشید هدیه‌ای به هستی می‌دهد که یک رزمنده شهید به او داده و خواسته آن را به هستی برساند. آن هدیه گردنبندی با هسته خرما است که نام هستی بر آن نقش بسته است. این داستان از زوایای مختلف قابل بررسی است. به نظر می‌رسد انتخاب شهر «آبادان»، نام قهرمان «هستی» و پدیده «جنگ» در پیرنگ این داستان سویه ایدئولوژیک دارد. آبادان شهری است که در گذشته تاریخی بیشتر محل زندگی قبیله‌های سنتی عربی بوده و عبادان خوانده می‌شد و سنت‌های زن‌ستیزانه قبیله‌ای در آن منطقه پررنگ بوده است اما از دیگر سو این شهر از ابتدای قرن چهاردهم شمسی/ بیستم میلادی به واسطه توسعه صنعت نفت و حضور کارمندان، کارشناسان، بازرگانان و مهندسان و کارشناسان داخلی و خارجی و تأثیر مدرنیته دچار دگرذیسی فرهنگی شده و «آبادان» شد به طوری که در سال ۱۳۵۹ خورشیدی و آغاز جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران به شهری متفاوت و چند فرهنگی بدل شده بود. بنابراین و نیز بنا بر عوامل دیگر می‌توان گفت که جنگ ایران و عراق در پیرنگ داستان در حقیقت نمادی از جنگ سنت و مدرنیته است که در آن «هستی» دختر نوجوان داستان در حقیقت به جنگ ایدئولوژی قبیله‌ای می‌رود، ایدئولوژی که بر اساس آن پدرش وی را «ادبار» می‌خواند، حتی می‌توان گفت در این داستان «آبادان» که در زبان فارسی در مقابل «ویران» قرار دارد در حقیقت محل منازعه نفس‌گیر مدرنیته (با پشتیبانی شخصیت‌های تهران زیست) و سنت و محل نزاع اگزیستانسیالیستی «هستی» و «ادبار» است که سرانجام با پیروزی مدرنیته و قهرمانی هستی (که به معنی وجود داشتن است) و نجات یافتن نامنظره خاندان به دست او به پایان می‌رسد. گویی در طرح ایدئولوژیک نویسنده بین «آبادانی»

مدرنیستی و «هستی» یک رابطه‌ای مفهومی وثیق وجود دارد و دفاع رزمندگان برای حفظ و بقای هسته نخل «هستی» است. باری، وقایع این رمان نسبتاً بلند در زمان جنگ ایران و عراق رخ می‌دهد یعنی زمانی که بین مرگ و زندگی و هستی و نیستی شهروندان فاصله‌ای نیست و شاید نویسنده با انتخاب این نام به جایگاه محوری عنصر مادینه در جهان هستی و هستی کهکشانی اشاره داشته باشد. در این رمان، «هستی» در موقعیت‌های مختلف نجات‌بخش اعضای خانواده می‌باشد و خودش را فرشته نجات و هستی بخش می‌داند..

### ۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

این پژوهش تطبیقی که بر اساس تجزیه داده‌ها و تطبیق آن با الگوی انیاگرام صورت می‌گیرد. در پی بررسی این موضوع است که بر پایه نظریه انیاگرام، شخصیت قهرمان و دیگر اشخاص رمان هستی در کدام تیپ‌ها جای می‌گیرند؟ داده‌ها با استخراج مؤلفه‌های فکری، گفتار، رفتار، کنش، منش و ظاهر یک شخص از متن داستان استخراج و با عناصر شخصیت‌شناختی نه‌گانه، تیپ اینیاگرامی قهرمان و دیگر شخصیت‌های اصلی رمان هستی تحلیل می‌شود.

### ۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

از آنجا که هستی قهرمان داستان است، تحلیل دگردیسی شخصیت او و سایرین در رمان تلاشی ایدئولوژیک در مسأله شناسی سنت و مدرنیته در ادبیات کودک و فرهنگ خانواده در مبارزه زیرپوستی نسل‌ها در حوزه جنسیت به شمار می‌رود.

### ۱-۳. پیشینه پژوهش

جستجوها نشان می‌دهد زابلی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد و نیز زابلی، حبیبی و بهروزی (۱۳۹۹) در مقاله «تیپ شناسی شخصیت در رمان ساق البامبو اثر سعود السنعوسی بر اساس تئوری اینیاگرام» به تحلیل سلامت و ناسالمی ۱۱ شخصیت داستانی در رمان ساق البامبو پرداخته‌اند. سام‌خانیانی و غفوری (۱۴۰۲) در مقاله «بازخوانی اینیاگرامی شخصیت شیرین در منظومه شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی» از منظر اینیاگرامی با تجزیه و تحلیل کنش‌ها و افکار نتیجه گرفته‌اند که شخصیت شیرین با تیپ ۶ اینیاگرام هم‌خوانی دارد. بردبار (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل روان‌شناختی شخصیت قهرمانان نوجوان در رمان‌های واقع‌گرای نوجوان فرهاد حسن زاده» و شهریاری (۱۳۹۷) در مقاله «شخصیت و شخصیت‌پردازی در

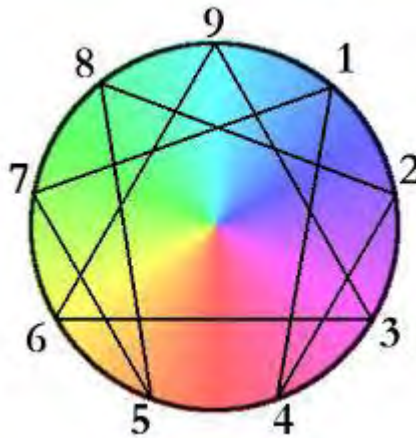
رمان هستی و زیبا صدایم کن»، به تحلیل ابعادی از شخصیت در داستان‌های فرهاد حسن‌زاده پرداخته‌اند، اما تاکنون از نظر تیپ‌شناسی و دگردیسی شخصیت در داستان‌های فرهاد حسن‌زاده بر اساس نظریه اینیاگرام اثری ملاحظه نشده است.

## ۲. مبانی نظری

شخصیت یکی از مهمترین عناصر داستان (personality) و از اصطلاحات مشترک بین روان‌شناسی، علوم اجتماعی و داستان‌شناسی است. شخصیت می‌تواند انسان، حیوان، اشیا یا مفاهیم انتزاعی باشد. «روان‌شناسی مطالعه ذهن و رفتار در انسان و غیرانسان است. از دیدگاه روان‌شناختی، شخصیت، یک کلیت روان‌شناختی است که انسان خاصی را مشخص می‌سازد در نتیجه روان‌شناسی در بحث شخصیت همواره تفاوت‌های فردی را مد نظر دارد و هدف آن تعریف هر چه صحیح‌تر این تفاوت‌ها و تعیین آنها است. وقتی مفهوم شخصیت به معنای وسیع مورد نظر باشد، طبعاً مفاهیم خوی، مزاج و استعداد را که مبین جوانب خاص هستند دربر می‌گیرد. (مای لی و ربرتو ۱۹۸۵: ۱۷) با این حال این فردیت معمولاً در فضای اجتماعی شکل می‌گیرد و به شدت تحت تأثیر محیط، فرهنگ و سنت‌ها است. در این میان جنسیت یک متغیر بسیار مهم است. از منظر داستان‌شناسی «شخصیت، در یک اثر روایی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کنند، شخصیت‌پردازی می‌خوانند. (میرصادقی ۱۳۹۴: ۱۲۲) شخصیت یکی از دست‌مایه‌های نویسندگان داستان برای ارائه اندیشه، فرهنگ و ایدئولوژی است. این شخصیت‌ها با ظاهر، گفتار، افکار و کنش‌های مختلف در داستان ظاهر می‌شوند. در داستان‌ها، «شخصیت اثر، یا تیپ است یا فرد. فرد خصوصیات مخصوص به خود را دارد و خلیات او همگانی نیست. باید با دقت او را شناخت و با حال و روزگار و افکار اوهام او آشنا شد اما تیپ نماینده قشر و صنفی از مردم و جامعه است یعنی طبقه و گروهی از مردم همان خلیات و رفتار را دارند.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۷۴) شخصیت اساسی‌ترین، جذاب‌ترین و حائز اهمیت‌ترین عنصر داستانی است و بر درون‌مایه داستان و پیرنگ آن تأثیر می‌گذارد. (نوروزعلی، ۱۴۰۰) مطالعات روان‌شناختی درباره شخصیت‌های زن به دلیل تفاوت‌های ذاتی و واکنش‌های متفاوت آنها در مقابل مسائل اهمیت زیادی دارد و «تحقیقات تفاوت‌های زیادی را در مورد عوامل شخصیتی خاص زن و مرد ثبت کرده است به عنوان مثال، یک مطالعه در مقیاس بزرگ در مورد شدت آگاهی و بیان عاطفی دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های پزشکی ایالات متحده

و آلمان پژوهشی صورت گرفته است. نتایج نشان داد که زنان از هر دو کشور نسبت به مردان پیچیدگی و شدت عاطفی بیشتری نشان دادند. (نگ. بارت، لین، سچرست و شوارتز، ۲۰۰۰) همچنین مطالعه‌ای بر روی بیش از ۷۰۰۰ دانشجوی در ۱۶ کشور اسلامی نشان داد که میزان اضطراب زنان در ۱۱ مورد از ۱۶ نمونه مورد مطالعه به طور قابل توجهی بالاتر از مردان بود. (۹: Schultz P, Schultz.E۲۰۱۷) بر این اساس مطالعه روان‌شناختی داستان‌ها و رمان‌هایی که در آن دختران نقش اول و یا نقش‌های مهم بر عهده می‌گیرند مطالعه‌ای بینارشته‌ای در حوزه مطالعات روان‌شناسی و ایدئولوژی است. یکی از حوزه‌های مطالعه شخصیت دگردیسی (Metamorphosis) شخصیت است هرچند بسیاری از پژوهش‌گران علوم انسانی دگردیسی شخصیت را به معنای عام تغییر و تحول به کار می‌برند در این مقاله بینارشته‌ای، با الهام از دانش زیست‌شناسی «دگردیسی» به تحولات مثبت شخصیت‌های داستان در یک سیر تکاملی اطلاق می‌شود که در آن قهرمان و شخصیت‌های دیگر داستان از یک مرحله عادی عبور کرده و به شخصیتی برتر و کمال‌یافته تبدیل می‌شوند.

انیاگرام یا اینیاگرام (enneagram) یکی از روش‌ها و الگوهای شناخت شخصیت در حوزه روان‌شناسی و بویژه روان‌شناسی رشد و شخصیت است و پیشینه آن به پیش از میلاد مسیح به شرق بازمی‌گردد. به نظر بلیک «تمامی دانش‌ها را می‌توان در آن (انیاگرام) گنجانند و با استفاده از این نظریه روان‌شناسی آنها را تفسیر کرد.» (Blake ۱۹۹۶: ۲۴) در انیاگرام شخصیت انسان در ۹ تیپ اصلی توصیف و تحلیل می‌شود و این تیپ‌های نه‌گانه شخصیتی با یکدیگر مرتبط هستند بدین شکل که تیپ‌ها در گرداگرد یک دایره با ۹ نقطه رسم می‌شود. تیپ‌های شخصیتی با رسم خطوط اتصالی بین نقاط به شکل مثلث‌هایی در درون دایره رسم می‌شود. «مثلث داخلی انیاگرام، که سه نقطه را به هم متصل می‌کند، نشان دهنده تعامل دینامیکی سه نیرو است. به هر جفت متضاد فکر کنید. نقطه سوم، یا نیرو، نمایانگر یک سنتز یا حد وسط است که آنها را به هم نزدیک می‌کند. سه نوع انیاگرام انواع سه، شش و نه - توسط مثلث به هم متصل می‌شوند. (Berghoef & Bell: ۲۰۱۷: ۳۳)



تصویر برگرفته از (Baron, R; Wagele, E (۱۹۹۴)

گفته می‌شود که نماد نه‌پر انیاگرام از تصوف، شاخه‌ای از عرفانی اسلامی سرچشمه می‌گیرد و برای اولین بار در اوایل قرن بیستم توسط معلم معنوی روسی گرجیف در غرب رایج شده است. گرجیف انیاگرام را به عنوان راهی برای درک حرکات و تغییراتی که بعد معنوی زندگی را تشکیل می‌دهند، آموزش داد. انیاگرام همچنین شالوده برخی از رقص‌های مقدسی را تشکیل می‌داد که دانش‌آموزان خود را برای اجرای آن راهنمایی می‌کرد. رقص‌های گرجیف بر اساس حرکات دقیق و عمدی، با هدف پرورش توجه و آگاهی بود. یکی از جنبه‌های کلیدی تدریس گرجیف، شناسایی «ویژگی اصلی» شاگردانش بود. (Berghoef & Bell: ۲۰۰۱۷: ۵۵)

تیپ‌های ۹ گانه اصلی شخصیتی اینیاگرام به شرح زیر می‌باشد:

- تیپ شخصیتی ۱: اصلاح‌طلب و کمال‌گرا (The Reformer)
- تیپ شخصیتی ۲: امدادگر (The Helper)
- تیپ شخصیتی ۳: ریاست‌طلب، نقش‌آفرین، موفقیت‌طلب (The Achiever)
- تیپ شخصیتی ۴: هنرطلب، درونگرا، خیال‌پرداز (The Individualist)
- تیپ شخصیتی ۵: پژوهشگر، جستجوگر (The Investigator)
- تیپ شخصیتی ۶: وفاجو (The Loyalist)
- تیپ شخصیتی ۷: تنوع‌طلب، خوش‌خو، خوش‌گذران (The Enthusiast)
- تیپ شخصیتی ۸: اقتدارگرا و مبارز (The Challenger)

• تیپ شخصیتی ۹: صلح‌طلب، میان‌رو (The Peace-maker) (ر.ک. ریسو، ۱۳۹۲: ۱۵۶-۶۷)

در جدول اینیاگرامی هر تیپ شخصیتی ترکیبی از شخصیت‌های زیر است:

• یک شخصیت اصلی

• دو شخصیت مجاور

• دو شخصیت مقابل

امروزه «انیاگرام در فهم پیوندها و روابط تیپ‌های شخصیتی در نظام‌های آموزشی، اجتماعی و مدیریت ورزشی و حتی آموزش والدین کاربرد دارد.» (۶۶: ۲۰۰۳ Riso, Hudson) ادبیات کودک و نوجوان به‌ویژه داستان‌ها شخصیت‌های خاص خود را دارند و بسیاری از نویسندگان با اهداف تعلیمی و تربیتی شخصیت آفرینی می‌کنند.

در انیاگرام گاه تیپ‌ها با تغییر وضعیت به تیپ دیگر گرایش پیدا می‌کنند که از آن به عنوان «بال» یاد می‌شود این بال‌ها در واقع تیپ ثانویه تیپ اصلی هستند و این به آن معناست که ممکن است برخی از رفتارهای شما مانند مشخصه شخصیتی این نوع تیپ‌ها باشد. «بال‌ها، احساسات لوح اینیاگرام شما را تغییر نمی‌دهند و آن‌ها صرفاً کیفیت‌هایی اضافی را به تیپ اصلی شخصیتی شما می‌افزایند.» (بوکدا ۱۳۹۲: ۵۸) مردم اغلب یکی از بال‌هایشان را در اولویت شخصیتی تیپ اصلی‌شان انتخاب می‌کنند.

### ۳. پردازش تحلیلی موضوع

#### ۳-۱. تیپ شخصیتی پدر هستی

پدر هستی یکی از شخصیت‌های مهم داستان به شمار می‌آید زیرا قهرمان داستان بیشترین چالش‌ها را با او به عنوان مانع اصلی و نماینده تفکر سنتی دارد. پدر هستی ساکن آبادان و در کشتی مشغول به کار می‌باشد و از نظر تحصیلات بی‌سواد است و حتی بیشتر وقت‌ها ضرب‌المثل‌ها و کلمات را اشتباه به کار می‌برد در مقام نظر و عمل اجتماعی در تیپ سنتی خود مدافع افکار جنسیتی زن‌ستیزانه حاکم بر جامعه و معتقد است که زنان نباید کار کنند و باید در خانه بچه‌داری کنند به همین دلیل رابطه خوبی با هستی ندارد و همیشه در حال جر و بحث و سرزنش کردن او است. برای درک بهتر، ویژگی‌های شخصیتی پدر هستی همراه با داده‌ها و گزاره‌هایی در جدول زیر آورده شده است:



ویژگی شخصیتی	گزاره‌ها
عصبانی و خشمگین	<p>بابا هم جیک نمی‌زد، به‌جایش غلغل می‌کرد. عینهو دیگ آب‌جوشی که آیش از کناره‌های درش بزند بیرون، جیزجیز جوش می‌زد و راه می‌رفت. آن قدر عصبانی بود که اگر تمام نخلستان‌های آبادان و خرمشهر را هم به نامش می‌کردی، خوشحال نمی‌شد. (حسن‌زاده، ۱۳۹۸: ۷)</p> <p>هنوز هم عصبانی بود. (همان: ۱۴)</p> <p>بابا عینهو رعد و برق بود که اول نورش می‌آید بعد صدایش. کفری بود. (همان: ۴۶)</p> <p>باز از چیزی دلش پر است و می‌خواهد دعوایش را با من بکند. (همان: ۸۹)</p>
سرزنش‌گر	<p>از صبح تا شب صدبار سرکوفت می‌زد که به خاطر تو نرفتم. (همان: ۵۹)</p> <p>بی‌اینکه نگاهش کند، جوابش را داد: «علیک سلام» و سلانه‌سلانه رفت توی اتاق و با غرولند گفت: «چه سلامی؟ چه علیکی؟ کله‌سحر آمدی خواب مونه خراب کردی. (همان: ۲۸)</p> <p>برای آن که دوباره سرکوفت بزند و مرا مقصر بداند. (همان: ۶۷)</p>
تنبیه‌گر	<p>با دستش که دور گردنم بود خوابوند توی گوشم. آخم رفت هوا و خجالت کشیدم. درد بدی داشت. یکی از مسافرها از عقب گفت: «مامو زنش. کوتاه بیا.»</p> <p>راننده بابا را دلداری داد: «عیبی نداره. لابد خیریتی داشته که نتونستی بری.» (همان: ۱۰)</p>
انتقامجو و مجازت‌گر	<p>ولی انگار قسم‌خورده بود که انتقام تمام این دوازده سال نان و نمکم را بگیرد. (همان: ۱۶۹)</p>
کوتاه فکر و قضاوت کردن دیگران	<p>بابا دایی جمشید را دوست نداشت و همیشه پشت سرش حرف می‌زد و غرغر می‌کرد. (همان: ۹)</p> <p>«سنش نصف مونه، وزنش دو برابره. ولی عقل و شعورش ... آخ. (همان: ۸۴)</p>
اعتقادات خاص	<p>نحس دانستن تولد هستی به خاطر فروختن سه‌چرخه (همان: ۶۷)</p>

ادبار، (همان:۷) پدرسگ (۴۶) زهرمار (۹۰)	به کار بردن کلمات زشت
--	-----------------------

با توجه به جمیع داده‌های متنی، پدر هستی دارای شخصیت تیپ ۱ می‌باشد. افراد تیپ ۱ به دنبال دنیایی بهتر و کامل‌تر هستند و به همین دلیل تلاش می‌کنند که خودشان و دیگران را بهتر و کامل‌تر کنند. (حق‌پرست ۱۳۹۳: ۲۰) آن زمانی که افراد تیپ ۱ در لایه ناسالم قرار بگیرند در اجرای مفاهیم اخلاقی دچار اختلال می‌شوند. به‌گونه‌ای که به‌جای رعایت اصول اخلاقی، درگیر پند و اندرز شده و به‌جای درک و بصیرت، درگیر قضاوت و داوری می‌شوند. و اگر عقاید و نظرات مشورتی آنها مورد توجه اطرافیان قرار نگیرد، به‌شدت عصبانی شده و شروع به انتقاد می‌کنند حتی از کلمات زشت و زننده استفاده نموده مورد رنجش دیگران می‌شوند. از انعطاف‌پذیری کمی در عقاید و رفتار خود برخوردارند و اطرافیان آنان تصور می‌کنند با این الگوی تیپ یک در زندان حبس شده‌اند زیرا می‌خواهند دیگران مانند آنها فکر کنند. (پیری ۱۳۹۸: ۲۴)

### ۳-۲- تحلیل تیپ شخصیتی هستی

هستی برعکس دختران اطراف خود، گرایش به کارهای پسرانه دارد دوست دارد لباس پسرانه بپوشد، بازی‌های پسرانه انجام دهد، به دستشویی مردانه برود، دوستانش اغلب پسر هستند و حتی برای آینده‌اش شغل مردانه مانند مکانیک یا رانندگی ماشین سنگین را آرزو دارد. در واقع هستی به خاطر تحقیرهایی که در فرهنگ نسبت به دختران می‌شود دوست دارد پسر باشد تا خود واقعی و توانایی‌هایش را نشان دهد. این اخلاق هستی باعث تنش بین او و پدر می‌شود. هستی دارای شخصیت قوی، مهربان و خودساخته‌ای است به همین دلیل از منابع قدرت خودش می‌آید و این امر در اول داستان با دوست داشتن صدام حسین مشخص می‌شود.

داده‌ها:

ویژگی شخصیتی	گزاره‌ها
--------------	----------

<p>هم فکرش را می‌کردم، هم فیلمش را ساختم. خاله نسرين می‌گفت: «تو دنیات پر از تصویره» و من فیلم خودم را ای طوری می‌دیدم. (همان ۱۳۸۹: ۲۳-۲۲)</p> <p>دختر ننه دریا. (همان ۱۳۸۹: ۸۰)</p> <p>رفتن به شهر هپروت. (همان ۱۳۸۹: ۱۰۶)</p>	<p>رؤیایپرداز</p>
<p>چرا همه‌اش قربان مامان و آن نی نی که هنوز نیامده بود، می‌رفت؟ به «هستی» که بود توجه نمی‌کرد و قربان صدقه‌آنی می‌رفت که هنوز نبود. (همان ۱۳۸۹: ۲۳)</p> <p>من از دخترهای خوشگل خوشم نمی‌آمد. نه که حسودی کنم. هین جوری. (همانجا)</p> <p>بابای لیلی آمد. لیلی جلوی بلند شد و صورتش را بوسید. کاش این کار را نمی‌کرد. لاقل جلوی من که دلم از آتش بابا بلال شده بود. (همان ۱۳۸۹: ۱۷۰)</p> <p>بد جنس شدم و دلم خواست همین طور که راه می‌رود، با صورت زمین بخورد و دماغش برود توی بستنی و برعکس. (همان ۱۳۸۹: ۱۰۱)</p> <p>عطسه ام گرفت. خاله فقط برای سهراب سوغاتی آورده بود. (همان ۱۳۸۹: ۱۰۵)</p>	<p>حسادت</p>
<p>دوست نداشتم مامان خانه باشم. دلم می‌خواست خلبان می‌شدم یا راننده‌ی تریلی، یا دروازه‌بان تیم صنعت نفت. (همان ۱۳۸۹: ۶۵)</p> <p>من عاشق ژیمناستیک و فوتبال بودم. ژیمناستیک راحت‌تر بود، بی‌دردس‌تر بود. توی حیاط و اتاق و باشگاه پشتک و وارو می‌زدم ولی چون هیچ دختری دور و برم اهل فوتبال نبود، مجبور بودم با پسرها بازی کنم. می‌توانستم بیست سی تا رؤیایی بزنم. شوت‌هایم سنگین و برزلی بود. تازه یاد گرفته بودم قیچی برگردان هم بزنم. (همان ۱۳۸۹: ۲۱)</p>	<p>خواهان امور ممنوعه</p>
<p>«اه! ولک چقدر مورچه‌ا!» و آب پاشید تو سوراخ مورچه‌ها و بلندبلند خندید: «هااااا ولک! چه ولوله‌ای شد!» ناراحت شدم. نباید این کار را می‌کرد. (همان ۱۳۸۹: ۱۸)</p> <p>امتناع از گرفتن خروس و نخوردن گوشتش. (همان ۲۲۱)</p>	<p>دوستدار حیوانات</p>
<p>باید به بابا می‌گفتم، حسابشان را برسد. یا خودم (همان ۱۳۸۹: ۱۱۷)</p>	<p>انتقام جو</p>

<p>... نمی‌دانستم مرا می‌خواهد یا آن آفتابه لعنتی را. خواستم آفتابه را بیندازم، ولی گفتم حالا که دارم می‌چزانشم، بگذار حسابی بچزانشم. حالا که داغم کرده بود، بگذار این طوری دلم را خنک کنم. (حسن‌زاده ۱۳۸۹: ۱۶۹)</p> <p>از این که بی‌بی باباش را دعوا می‌کند خوشحال می‌شود (همان ۱۳۸۹: ۴۸)</p> <p>آب ندادن به باباش (همان ۱۳۸۹: ۱۵۲)</p> <p>نبردن سمبوسه برای جاشکول (همان ۱۳۸۹: ۱۳۵)</p> <p>پسرها هنوز همان جا بودند. گفتم: «می‌خوام حساب اینایه بذارم کف دستشون» (همان ۱۳۸۹: ۱۱۹)</p> <p>درست کردن باند برای گرفتن حال پسرها. (همان ۱۳۸۹: ۱۲۸)</p>	
<p>فکری به سرم زد. از دست گچ گرفته که مانده بود زیر تنم کاری بر نمی‌آمد. دست دیگرم را هر جوری بود، تکان دادم و سوت را پیدا کردم. گذاشتمش لای لب‌های خاک گرفته‌ام و توی آن فوت کردم. فوت کردم. (همان ۱۳۸۹: ۳۸)</p> <p>مادر گفت «تو نابغه‌ای» ... ذوق زده گفتم: «معلوم دیگه ما دوتا با هم موتوره می‌رونیم». (همان ۱۳۸۹: ۷۸)</p>	<p>باهوش و خلاق</p>
<p>اشکم را پاک کردم. (همان ۱۳۸۹: ۲۴)</p> <p>اگ نیایی، ناراحت می‌شم. (همان ۱۳۸۹: ۲۶)</p> <p>از خوشحالی جیغ کشیدم و بلند بلند خندیدم. (همان ۱۳۸۹: ۲۸)</p>	<p>افکار و احساسات خود را بروز می‌دهد</p>
<p>یعنی می‌ترسیدم از سوغاتی خبری نباشد و دماغ سوخته شوم (همان ۱۳۸۹: ۱۰۳)</p>	<p>ترس از تحقیر شدن</p>
<p>«من حساب روزهای که فرشته نجاتشان شده بودم و جانشان را خریده بودم. (همان ۱۳۸۹: ۴۹)</p> <p>«این جاهم دوباره با گوشواره‌ام فرشته نجات شده بودم. حیف کسی قدر نمی‌دانست. (همان ۱۳۸۹: ۹۹)</p> <p>هنگامی که با پدرش موتور می‌راند خود را فرشته نجات می‌داند. (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۹)</p>	<p>خودستایی</p>
<p>حوصله این حرف‌ها رو نداشتم. (همان ۱۳۸۹: ۱۳)</p> <p>دیگه هیچی. حوصله هیشکیه ندارم. (همان ۱۳۸۹: ۱۱۱)</p>	<p>بی‌حوصله</p>

با اخم‌هایش حوصله‌ام را سر برد. (همان ۱۳۸۹: ۱۵۴)	
یک مرتبه دلم برای جاشکول سوخت. قیچی را بهانه کرده بود و می‌خواست حرف بزند، اما من حرفش را قیچی کرده بودم. (همان ۱۳۸۹: ۱۶۱)	دلسوزی

با توجه به داده‌های آماری هستی دارای تیپ ۴ می‌باشد. «تیپ ۴ غالباً در عالم تخیل و احساس خویش زندگی می‌کنند. این تیپ هنرطلب، گوشه گیر و خیال پرداز است. آنها می‌توانند هنرمند، خلاق، نخبه، غمگین، محزون و پرابهام باشند. در تیپ چهار خودستایی و متفاوت بودن موج می‌زند. قدرت تخیل در این افراد آن قدر بالا است که با تخیل خود به گذشته، آینده و هرجایی که جذاب‌تر از وضعیت کنونی‌شان باشد سفر می‌کنند و در آنها احساس حسادت وجود دارد. (پیری ۱۳۹۸: ۲۹)

### ۳-۲- تیپ شخصیتی مادر، دایی و خاله هستی

میان شخصیت‌های رمان هستی «مادر»، «خاله نسرین» و «دایی جمشید» شخصیت‌های کمک‌گرا، پشتیبان، مهربان و سخاوتمند هستند که در طول داستان به آن اشاره شده است. این سه شخصیت، به خصوص «دایی جمشید» شخصیت‌های مورد علاقه هستی هستند و به هستی کمک می‌کنند که به خواسته‌هایش مانند فوتبال بازی کردن، آموختن جودو و ژیمناستیک، موتورسواری، کوتاه کردن موها و... برسد. مادر هستی، زنی مهربان، زیبا و سخاوتمند است که افکار روشنفکرانه دارد و نقش حامی را در خانواده ایفا می‌کند. او به همسرش کمک می‌کند تا سمبوسه بفروشد و از هستی نیز حمایت می‌کند تا به خواسته‌ها و آرزوهایش برسد. در بیشتر وقایع داستان او مشغول خواندن کتاب است.

### داده‌ها:

ویژگی شخصیتی	گزاره‌ها
حامی و پشتیبان بودن	بابا حرف که می‌زد آب از سبیلش می‌چکید: «ولم کن بابا تو هم. از کار و زندگی افتادم. می‌دونی بنده الان باید کجا باشم؟» به خاطر ئی ادبار نشد به ژاپن برم. مامان با حالت دعوا گفت: «چه جایی بهتر از اینجا کنار زن و بچه‌ها؟ تو انگار اصلاً احساس نداری... حالا کاریه که شده میرزا

<p>غرغرو! چه قدر غر می‌زنی! حتما خدا دوست داشته و می‌خواسته نری (حسن‌زاده: ۱۳۸۹: ۱۶)</p> <p>از مهربانیش تعجب کردم. بابا و این کارها؟! لابد مامان چیزی به او گفته بود و دلش را به رحم آورده بود. (همان: ۱۳۸۹: ۱۹)</p>	
<p>دستم را فشار داد و گفت: هنوز باباته نشناختی؟ بی‌پولی رمقش گرفته. بیکار هم که بشه دیگ واویلا. سخت نگیر. خودم هواته دارم. (همان: ۱۳۸۹: ۳۷)</p>	دلگرم کننده
<p>مامان سر و صورت‌م را بوسید و گفت: آخی! الهی بمیرم! درد داری؟ (همان: ۱۳۸۹: ۱۵)</p> <p>کمک به همسایه فقیر. (همان: ۱۳۸۹: ۱۳۵)</p>	مهربان و سخاوتمند
<p>چشم‌هایم را بستم و صدای مامان چسبید ته گوش‌هایم: «یا مرتضی علی» (همان، ۱۳۸۹: ۳۷)</p> <p>مامان در باز کرد و گفت ثواب داره. (همان، ۱۳۸۹: ۱۳۵)</p>	مذهبی

خاله نسرین: دانشجوی یکی از دانشگاه‌های تهران است و علاقه زیادی به کتاب مخصوصاً کتاب‌های ادبیات و روان‌شناسی دارد. در واقع خاله نسرین در تهران تا حد زیادی مدرنیته را تجربه کرده است. خاله نسرین تنها کسی است که هستی را درک و در بیشتر بحران‌های شخصی و خانوادگی هستی نقش حامی را ایفا می‌کند.

او شوخ‌طبع و مهربان است و دنیایی تخیلی مانند هستی دارد. بر اساس داده‌ها خاله در تیپ انیاگرامی ۲ جای می‌گیرند. افراد دارای تیپ شخصیتی ۲ انیاگرام مددکار خوانده می‌شوند زیرا مهم‌ترین ویژگی آنها بخشش و فداکاری است. تیپ شخصیتی کمک‌گرا دوست دارند توسط کسانی که دوستشان دارند دوست داشته شوند، تلاش می‌کنند نیازهای دیگران را تحقق بخشند و در صدد آن هستند که افراد و رویدادها را در زندگی خویش سازمان‌دهی کنند.

افراد با تیپ شخصیتی دو، به شدت حامی هستند و بهترین لحظات زندگی خود را زم آنها می‌دانند که به دیگران کمک می‌کنند. (بویدا، ۱۳۹۲: ۴۵)

## داده‌ها:

ویژگی شخصیتی	گزاره‌ها
حامی و پشتیبان بودن	
دلگرم کننده	صدایش کولاک بود جووری که بابا را از جا پراند گیج‌وویج و با رنگی مثل زرد چوبه گفت «چی بود؟ کی بود؟» ترسیدم و نگاهم را دزدیم و ... خاله آهسته گفت: «خجالت نکش. آدم باید توی زندگیش پررو باشه..» (همان ۱۳۸۹: ۲۸) حالا که از فوتبال محروم شدی بهتر است یه مدت داوری کنی (همان ۱۳۸۹: ۲۷)
مهربان و سخاوتمند	«خاله که رفت انگار چیزی از دلم کنده شد. انگار یکی از چراغ‌های خانه خاموش شد و رفت پی کارش. به همین زودی دلم برای بستنی خوردن و راه رفتن و راه رفتن و کنار اسکله نشستن و از این در و آن در حرف زدن، تنگ شد. (همان ۱۳۸۹: ۱۴۹)
کنجکاو	هدیه‌دادن سوت فلزی به هستی و گوشه پزشکی به مادر هستی. (همان ۱۳۸۹: ۲۷) به کفش‌هایی نگاه کردم که برایم خریده بود. کی خریده بود که نفهمیدم؟ با کدام پول خریده بود؟ از مامان پرسیدم ... و خاله بیچاره من برای فروش چی داشت جز گردنبند کوچولویی که یک زنجیر بود و یک پری دریایی (همان: ۱۴۹)
روابط اجتماعی بالا	کنجکاو در مورد نام دایی جمشید در دفتر بیمارستان و شناسایی جاسوسی که خود را جای جمشید جا زده است. (همان: ۱۴۷)
	اگر خاله نسرين بود، شیر پیدا می‌کرد صدتا دوست و آشنا داشت. (همان: ۵۵)

دایی جمشید: هیكل درشتی دارد و پیک موتوری که باقلا و شیرینی جابه‌جا می‌کند. دایی جمشید با هستی بسیار مهربان است به توانایی‌های هستی احترام می‌گذارد و به هستی کمک می‌کند که به خواسته‌هایش مثل بازی فوتبال، یادگرفتن موتورسواری و ... برسد. در جدول ذیل هر شخصیت با نمونه‌های از گزاره‌های ذکر شده در کتاب و ویژگی شخصیتی آنها ذکر شده است.

## داده‌ها :

ویژگی شخصیتی	گزاره‌ها
حامی و پشتیبان بودن	بابا گفت: «مو نمی دونم چرا ئی جمشید تفنگش می‌ذاره سر راه» صدای دایی از توالت آمد: «سر راه نیست. مگه نمی‌بینی آویزونش کردم سر درخت؟» بابا گفت: مگه گلابیه که آویزونش کردی سر درخت؟ ئی ادبار می‌خواست تیر در کنه.» گفتم: «کی چرا الکی می‌گی بابا؟» دایی گفت: «هستی هیچ وقت ئی کار نمی‌کنه. به مو قول داده.» (حسن‌زاده ۱۳۸۹: ۵۹)
دلگرم کننده	«ناراحت نباش، می‌دونم درست می‌شه. ی روز همه چی درست میشه. همه چی میشه عین روز اولش.» گفت: ها که می‌شه. په ما اینجا بوقیم که بذاریم همه چی خراب بشه؟ اصلاً ناراحت نباش؟ (همان: ۲۲۱)
مهربان و سخاوتمند	گشت و گذار با هستی. (همان: ۳۳) «دایی این طور نبود. بدی هم که می‌دی، خوبی می‌کرد.» (همان: ۸۴) من و دایی دست بی‌بی را گرفتیم و با خواهش بردیم توی سنگر. (همان: ۶۱)
فداکار	دایی جمشید فداکاری کرد و موتورش را داد. بابا هم به دایی قول داد وقتی ما را رساند، از همین راهی که رفتیم، برگردد و موتور را به او برگرداند. دایی گفت: «موتورم عصای دستمه» (همان: ۷۱)
مذهبی	دایی راه افتاد طرف زیلو و جانماز را باز کرد. (همان: ۶۱) دایی توی حیاط نماز می‌خواند داشتم به رکوع رفتنش نگاه می‌کردم. (همان: ۱۹۰)

دایی جمشید به‌عنوان یکی از شخصیت‌های داستان نقش بسیار مؤثری در داستان هستی دارد. او به‌عنوان شخصیت محبوب قهرمان داستان معرفی می‌شود و هستی برای کمک کردن به او و بازگرداندن موتورش خطرات زیادی انجام می‌دهد. طبق مطالب فوق، دایی جمشید دارای تیپ شخصیتی دو می‌باشد. تیپ شخصیتی ۲ وقتی تحت فشار روحی قرار بگیرد رفتار



تهاجمی و برتری طلبی تیپ ۸ را پیدا می‌کند که در رفتار دایی جمشید بعد از جنگ بسیار مشهود است. جنگ از موقعیت‌های ویژه انسانی است به این معنا که در موقعیت جنگ رفتارها، کنش‌ها، اعتقادات، باورها و ارزش‌ها به همان طریقی که در یک موقعیت عادی شکل می‌گیرند و منصفه ظهور می‌رسند، به مرحله عمل در نمی‌آیند. (بهمنی مطلق و فرقانی اله‌آبادی ۱۳۹۴: ۳۷۴) ویژگی‌های شخصیتی دایی جمشید در داستان به شکل زیر نمود پیدا کرده است:

#### داده‌های بررسی بال تیپ شخصیتی دایی جمشید

ویژگی‌های تیپ ۸	گزاره‌ها
عصبانیت	کاش دایی از من نپرسیده بود: «با کی آمدی؟» که من بگویم: «با هیشکی» و او از تعجب داد بزند: «باهیشکی؟ پس بابات؟» و من بگویم: «از دستش فرار کردم و پناه آوردم اینجا» و او عصبانی بشود و یقه‌ام را بگیرد و بگوید «تو غلط کردی!» (حسن‌زاده ۱۳۸۹: ۱۹۰)
پرخاشگری	چه قدر کارم بد بود که دایی که هیچ وقت حتی به من تو نگفته بود، کفری بشود و بگوید تو غلط کردی. (همان: ۱۹۰)
عدم بروز احساسات	اما دایی جمشید زیاد نمی‌خندید به نظرم یک جورهایی افسرده می‌آمد. (همان: ۱۹۴) «خیلی از دوستاش شهید شدن. پربروز چندتاشونه با هم خاک کردیم. قبلنا گریه می‌کرد، ولی حالا... دریغ از یه چیکه اشک.» (همان: ۱۹۵) دایی، دایی همیشه نبود اصلاً نخندید. (همان: ۲۱۹) گفتم: «خاله، چرا دایی جمشید ئی طوری بود؟» گفت: «سرد، مثل بستنی» (همان: ۲۰۴)
استبداد و خودرایی	دایی رفت و آخرین حرفش را هم زد: «ظهر می‌آم دنبالتون که ببرتون چوئبده که با لنج تشریف ببرین ماهشهر. (همان: ۱۹۹)

#### ۳-۳. دگردیسی در شخصیت هستی

عوامل مختلفی در دگردیسی شخصیت هستی از جمله بلوغ، بحران هویت، فضای مردسالارانه حاکم بر جامعه، جنگ و غیره نقش داشته‌اند. هستی در سن ۱۲ سالگی است و ویژگی‌های بلوغ کم‌کم در او بروز می‌کند. ژان پیاژه در تفاوت‌های گسترده تفکر کودکان از لحاظ کیفی که سرآغاز ورود به تفکر بزرگسالان می‌باشد از اصطلاح دگردیسی استفاده می‌کند. (شاکری و رکنی ۱۳۹۴: ۱۴۵) در روان‌شناسی شخصیت و فلسفه رشد و تعلیم و تربیت سنین بلوغ نقطه

عطفی در زندگی نوجوانان محسوب می‌شود. سیف می‌گوید: یکی از ویژگی‌های نوجوانان رشد قدرت تخیل آنان است. نوجوانان با تصور دنیایی بهتر از دنیای کنونی خود انتقاد می‌کنند و در تصورات خود آرمان‌شهر خود را می‌سازند و یا با تخیلات خود به دنبال ماجراجویی می‌روند (سیف ۱۳۸۰: ۲۱۱) گویا این پدیده در دختران بیشتر از پسران است ... و به‌عنوان واکنشی در برابر فرار از واقعیت است. (خلیلی و بختیاری ۱۳۸۷: ۲۱۶)

یکی از ویژگی‌های بلوغ انزجار از خود و شکستن تابوها است. تابو به آن دسته از رفتارها، گفتارها یا امور اجتماعی گفته می‌شود که بر طبق فرهنگ جامعه که می‌تواند نشأت گرفته از مذهب، عرف، رسم و آیین بوده اما ممنوع و نکوهش پذیر باشد. (آزادی و دیگران ۱۳۹۹: ۷۲) با اینکه هستی هویت پسرانه را انتخاب کرده در این هویت متوقف نمی‌شود. گزینش هویت پسرانه از طرف هستی نوعی واکنش برای جلب توجه و نشان دادن خود بوده است اما در این کنش باقی نمی‌ماند و به هویت دخترانه می‌رسد و حس‌های ظریف زنانه را درک می‌کند (اصحابی ۱۳۹۸: ۵۰) یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره الگوپذیری است که در عین حال بسیار خطرناک می‌باشد. نوجوان دوست دارد خود را شبیه فرد مورد علاقه‌اش کند. نوجوان در این برهه از زندگی خود، به عده‌ای از بزرگ‌ترها احترام می‌گذارد و به راحتی از خیلی بزرگ‌ترهای دیگر انتقاد می‌کند و با آنها به‌صورت لفظی یا عملی مخالفت می‌کند. (کمرزین و دیگران ۱۳۹۶: ۴۹) انتخاب قهرمان زن برای رمان هستی و نشان دادن جامعه‌ای که در حال دگرگونی است یکی از نکات کلیدی رمان است زیرا بسیاری از نویسندگان نقش زنان را در ایجاد دگرگونی در جامعه پررنگ‌تر از مردان می‌دانند چنانکه که رز به وضوح اعلام می‌کند: «دگرگونی عمیقا در آگاهی زنان نهادینه است.» (روشنایی ۱۴۰۱: ۱۱۱)

بر اساس الگوی انیاگرام، با در نظر گرفتن جمیع جهات شخصیت هستی باتیپ ۴ منطبق است ولی بعد از حوادث به سمت بال ۳ می‌رود و ویژگی‌های تیپ سه در او بیشتر می‌شود. یکی از ویژگی ممتاز تیپ شخصیتی ۳ این است. افراد این تیپ پرتلاش و هدف‌گرا هستند و در کارشان نستوه‌اند و آنقدر پیگیری می‌کنند تا موفق شوند. این ویژگی‌ها در هستی دیده می‌شود. او برای رساندن موتور به دایی جمشید بسیار تلاش می‌کند و آخر داستان تصمیم می‌گیرد خودش این کار را انجام دهد و موفق به این کار می‌شود. او همه‌ی خطرها و سختی‌ها را به جان می‌خرد تا به هدف خود برسد.

## عوامل دگردیسی در هستی:

عامل	گزاره‌ها
بلوغ	دستم را گرفت و حرف را عوض کرد. از حالتی پرسید که برایم پیش آمده بود. حالتی که مامان گفته بود ماهی یکبار به سراغ زن‌ها می‌آید. (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۰)
بحران هویت	من هیچ‌وقت عروسک دوست نداشتم. از مسخره‌بازی‌های دخترانه بدم می‌آمد. از خاله‌بازی و مامان‌بازی حالم به هم می‌خورد. (همان: ۸) چقدر سبیل بهم می‌آمد! با پوست‌های بزرگ‌تر ریش درست کردم. فکر کردم اگر مرد بودم این ریختی می‌شدم. (همان: ۷۰) بچه‌های کوچک کف کرده بودند. بهم می‌گفتند: آقا هستی. (همان: ۲۲)
مردسالاری زن‌ستیزانه جامعه	راننده گفت: «... مو خودم سه تا دختر دارم. اگه بگی صدا از شون در می‌آد، در نمی‌آد. عین ئی عروسکن، ملوس و بی سر و صدا. همیشه به عیالم می‌گم کاش خدا یه پسر به مو می‌داد، ولی تخس و فضول و شیطون...» (همان: ۱۱) خاله گفت: «با خاطر این که مرده، و مردهای ایرانی یه مشکل تاریخی دارن.» گفتم: «یعنی چی مشکل تاریخی دارن؟» گفت: «یعنی فکر می‌کنن سرور و پادشاه زن‌های روی زمین هستن و زن‌ها اصلاً آدم نیستن و اگر اونا نباشن دنیا نمی‌چرخه و روز شب نمی‌شه و شب روز نمی‌شه و همین‌طور بگیر برو جلو. (همان: ۳۰) بابا ول کن نبود «به جون فریبا، اگه دختر باشه پشش می‌دم. (همان: ۲۴) گفتم: «معلومه که دارن. مگه دخترا آدم نیستند؟ بی‌انصاف گفت: «نه که نیستن...» (همان: ۲۰)
شخصیت‌های محبوب	دایی جمشید: مدافع حقوق زنان، آموزش موتورسواری، فوتبال و ... به هستی. دایی می‌گفت: «تو خرمشهر دوتا دختر هستن که پا به پای مردا می‌جنگن» می‌گفت «عین شیرن» (همان: ۵۸) دایی می‌گفت چرا که نه. تو ایتالیا نصف زن‌ها با موتور می‌روند سر کار (همان: ۷۷) دایی گفت «بفرما قولش از صدتا مرد قول تره» (همان: ۵۹) خاله نسرین: زنی تحصیل کرده، شاغل، مستقل، شجاع و روشن فکر «خاله نسرین که دانشجو بود و همیشه توی کیفش کتاب می‌برد و می‌آورد.» (همان: ۲۱) ولی خب تازه استخدام شده بود. (همان: ۳۱)

<p>خاله گفت: «... ما همراه چندتا زن و دختر دیگه همه کاری می‌کنیم از جمله امدادگری، مجروح می‌بریم بیمارستان، شهید می‌بریم قبرستان، با بیل و کلنگ قبر می‌کنیم و...» (همان: ۲۰۳)</p> <p>مادر هستی:</p> <p>ولی مامان بی‌خیال این حرف‌ها بود. یعنی توی کتاب‌های روان‌شناسی و ادبیات چیزهایی خوانده بود و فکرش روشن شده بود. (همان: ۲۱)</p>	
<p>بابا مو که صد سال خسته است هیچکیش هم شهید نشده. (همان: ۱۵۳)</p> <p>یک بابا داشتیم که آن هم مال ما نبود. نه او مال من بود نه من مال او (همان: ۱۷۰)</p>	<p>عدم ارتباط دوستانه با پدر</p>

### بررسی نوع دگردیسی در هستی

گزاره‌ها	نوع دگردیسی	عامل
<p>خاله بغلم کرد... و گفت: «بچه مون بزرگ شده. بچه مون خیلی بزرگ شده. ظاهرش عروسکه، ولی دلش یه آدم حسابیه. می‌فهمه دنیا دست کیه» (همان: ۲۰۶)</p> <p>پذیرش زنانگی: جلوی آینه کوچکی که به دیوار آویزان بود موهایم را شانه زدم و گوشه‌های چشم و سوراخ دماغم را نگاه کردم. کثیف نبود. (همان: ۱۲۲)</p> <p>لیلی از گردنش چیزی در آورد: «نگاه کن!» یک هلال ماه بود. نازک و ظریف و قشنگ. رویش هم نوشته شده بود لیلی. معرکه بود. عاشقش شدم. (همان: ۱۲۹)</p> <p>پیچیدم توی حرفش و گفتم: «ما دخترا مثل شما پسرا نیستیم که الکی لاف می‌آین و می‌گن کی به کیه. ما اگه چیزی می‌گیم پای حرفمون هستیم.» (همان: ۱۶۳)</p>	<p>تغییرات ذهنی و عقلی</p>	<p>بلوغ</p>
<p>دوست شدن با لیلی (همان: ۱۱۱) و سایه (همان: ۱۲۷)</p>	<p>تغییرات اجتماعی</p>	
<p>افسردگی: من داشتم فکر می‌کردم این هستی که مامان می‌گوید منم؟ انگار خیلی وقت بود ندیده بودمش. انگار گچش گرفته بودند و جا مانده بودآبادان، پیش اسباب و اثاثیه‌ها. (همان: ۹۴)</p>	<p>تغییرات روحی و روانی</p>	

<p>انگار می دانست سرحال نیستم. گفتم «بد نیستم» (همان: ۱۰۶)</p> <p>رؤیا و تخیلات:</p> <p>کاشکی می رفتیم شهر هپروت (همان: ۱۰۷)</p> <p>دستم را کشیدم روی، صورتم، آینه تاریک شد. این تاریکی رو دوست داشتم. می توانستم صورت دیگری برای خودم خیال کنم. (همان: ۱۵۴)</p>		
<p>خاله گفته بود داری مثل مار پوست می اندازی. هر روز می گشتم، ولی پوستی نمی دیدم جز پوست خودم که پر از جوش های سرخ و ترسناک بود. (همان: ۱۵۴)</p>	تغییرات جسمی	
<p>برگشتن به آبادان. (همان: ۱۷۰)</p> <p>دعوا با پدر برای رفتن به جنگ. (همان: ۱۵۹)</p>	تغییرات روحی و روانی (شجاعت، میهن پرستی)	الگوپذیری (دایی جمشید، شاپور، منصور، خواهر منصور)
<p>دست بابا کشیده شد رویی پوست صورتم. «خدا رو شکر، هستی مو سالمه» و بعد موهایم را نوازش کرد و نوازش کرد و نوازش کرد. داشت خوابم می برد. چه قدر این نوازش برایم تازه بود و نو بود. از جنس نوازش های مامان بود. (همان: ۲۰۸)</p> <p>باورم نمی شد خودش باشد که این طور راحت هر چه دارد بریزد بیرون او بابای خوبی بود. حتما خوب بود که خطر کرده بود با همه ترسش آمده بود دنبالم. همین بس بود. (همان: ۲۱۲)</p>	پذیرش پدر و برقرار کردن رابطه دوستانه با او	برقرار کردن رابطه با پدر

### دگردیسی شخصیت پدر هستی

پدر هستی در ابتدا دارای تیپ شخصیتی ۱ سطح ناسالم بوده است وقتی تیپ ۱ در جهت رشد و پیشرفت قرار گیرد عصبانیت و انتقادک نندگی او از بین می رود و مانند تیپ ۷ روحیه ای

شاد و پرانرژی پیدا خواهد کرد. (زالی ۱۳۹۴: ۱۴) شروع دگردیسی پدر هستی با فرار هستی از ماهشهر شروع می‌شود پدر هستی با گفتن رازهای خود به هستی که عبارت‌اند از ترس شدید که از دوران بچگی با او بوده و با شروع جنگ دوباره به سراغ او آمده، حس حسادتش به هستی و دایی جمشید و اینکه شغل اصلیش کمک‌آشپز در کشتی است. (حسن‌زاده ۱۳۸۹: ۲۱۳) فشار روحی را از خود برمی‌دارد و با هستی فوتبال بازی می‌کند با شوخ‌طبعی با دیگران صحبت می‌کند و به دایی جمشید کمک می‌کند تا کوکتل مولوتوف بسازد و هستی را با لفظ «عزیز بابا» (همان: ۲۰۸) و «دختر گلم» (همان: ۲۱۳) خطاب می‌کند. در واقع یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تیپ ۷ خوش طبعی و لذت بردن از زندگی و شاد زیستن است.

### ۳. نتیجه‌گیری

با تطبیق عناصر شخصیت‌شناختی در نظریهٔ اینیاگرام نتایج زیر حاصل شد:

- «هستی»، قهرمان داستان و غالباً در عالم تخیل و احساس خویش زندگی می‌کند. هستی از سویی مانند همهٔ دختران تمایل زیادی به زیبایی و حسادت دارد اما از سوی دیگر در قالب‌های سنتی نمی‌گنجد و با تعلیق پیش‌فرض‌های اجتماعی دربارهٔ جنسیت خود و یک خودآگاهی فکری- فلسفی و عملی گام‌های نخستین یک دگردیسی اجتماعی را برمی‌دارد. او مرز فرضی کنش جنسیتی را می‌شکند و علاقه‌اش را به فوتبال و موتور سواری و کارهایی از این دست هنجارهای سنتی و مرزهای قراردادی جنسیتی را می‌شکند. رویدادها و اتفاق‌های داستان و خویشکاری‌های وی باعث خروجش از بحران شک و بازیابی هویت و تحقق و تثبیت هستی فلسفی می‌شود. بررسی اینیاگرامی نشان می‌دهد که در واقع وی دختری دارای ویژگی‌های تیپ ۴ است و بعد از حوادث داستان به سمت بال ۳ می‌رود و برای حل چالش‌ها قدرتمند عمل می‌کند. هستی در ادامه با تغییر دادن نظر دیگران نسبت به خود به خانواده و دوستانش نزدیک‌تر می‌شود و با مدیریت بهتر امور تبدیل به دختر متفاوت فعال، جسور و خلاق می‌شود و در انتهای داستان به دختر بودن خود افتخار می‌کند تا به دختری آرمانی مد نظر نویسنده بدل شده باشد.

- در شخصیت‌پردازی رمان «هستی»، زانی چون خاله و مادر هستی کنشگری فعالی دارند. خالهٔ هستی زنی فعال و جسور، اهل مطالعه و مستقل است که خارج از کلیشه‌های جنسیتی حاکم بر جامعه زنان سنتی به تأیید هنجارشکنی نسل بعد می‌پردازد. نقش تهران به عنوان محیط شکوفایی در تغییر و تثبیت شخصیت خاله هستی ملموس است. مادر هستی برای

هستی نقش حامی را ایفا می‌کند. مادر هستی زنی مهربان، زیبا و سخاوتمند می‌باشد که افکار روشنفکرانه دارد و در طول داستان از هستی حمایت می‌کند تا به خواسته‌ها و آرزوهایش برسد. در بیشتر واقایع داستان او مشغول خواندن کتاب است و هستی خواندن کتاب مخصوصاً کتاب‌های روان‌شناسی را عامل افکار روشنفکرانه مادرش می‌داند. در جریان داستان آنها قهرمان را یاری می‌کنند. هر دو شخصیت دارای تیپ شخصیتی ۲ انیاگرام هستند.

- بیان نقش مکمل همچنین همراهی مردانی مانند دایی جمشید در دگردیسی و پایداری شخصیت هستی را در زنجیره داستان نباید فراموش کرد. جمشید نیز دارای تیپ شخصیتی ۲ می‌باشد. این تیپ شخصیتی ۲ وقتی تحت فشار روحی قرار بگیرد رفتار تهاجمی و برتری‌طلبی تیپ ۸ را پیدا می‌کند که در رفتار دایی جمشید بعد از جنگ بسیار مشهود است. - پدر هستی در ابتدای داستان دارای تیپ ۱ در سطح ناسالم فردی مستبد، عصبانی و پایبند به کلیشه‌های جنسیتی حاکم بر جامعه مردسالار است ولی در انتهای داستان به کمال و آرامش یعنی تیپ ۷ می‌رسد که این امر در گفتمان پدرهستی در اواخر داستان مشهود است. با دگردیسی شخصیت او داستان ایدئولوژیک با خوشی به پایان می‌رسد.

## کتابشناسی

## کتاب‌ها

۱. پیری، فرهاد (۱۳۹۸)، *روابط عاطفی بین تیپ‌های شخصیتی براساس قوی‌ترین مدل شخصیت اینیاگرام*، تهران: سخنوران
۲. حسن‌زاده، فرهاد (۱۳۹۸)، *هستی*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- k. حق پرست، محمدرضا (۱۳۹۳)، *شخصیت‌شناسی اینیاگرام برای فروشندگان حرفه‌ای*، تهران: نظری
۴. روزبه، محمدرضا (۱۳۸۱)، *ادبیات معاصر ایران*، تهران: روزگار
۵. ریسو، دان ریچارد و هادسون، راس (۱۳۹۲)، *اینیاگرام دریچه‌ای به فراسوی شخصیت*، ترجمه وجیه گلنواز و مسعود حسین چاری، تهران: کتاب ارجمند
۶. زالی، محمد (۱۳۹۴)، *آشنایی با اینیاگرام*، جلد یک، نشر الکترونیکی: bitful.ir
۷. سلیمانی، محسن (۱۳۷۰)، *فن داستان نویسی*، تهران: سپهر
۸. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، *روان‌شناسی تربیتی*، تهران: دانشگاه پیام نور
۹. شمیسا، سیرویس (۱۳۸۶)، *انواع ادبی*، تهران: میترا
۱۰. کمرزین و دیگران (۱۳۹۶)، *روان‌شناسی مرضی کودک*، تهران: دانشگاه پیام نور
۱۱. مای لی ر، ربرتو پ (۱۹۸۵)، *ساخت پدیدآیی و تحول شخصیت*، ترجمه محمود منصور، تهران: دانشگاه تهران
۲۲. میرصادقی، جمال (۱۳۹۴)، *ادبیات داستانی*، تهران: سخن
- ''' نظری دارکولی، محمدرضا (۱۳۹۱)، *راهنمای داستان‌نویسی*، تهران: آریاپان
۴۴. وقدا، کینگر لپید (۱۳۹۲)، *اینیاگرام مدرن‌ترین روش شخصیت‌شناسی*، تهران: الماس دانش

## مقاله‌ها:

۱. بهمنی مطلق، ید الله و فهیمه فرقانی اله آبادی (۱۳۹۴)، «بررسی تفاوت‌های زبانی زنان و مادران در ادبیات مقاومت (با تکیه بر مکالمات رمان دا)»، *مجموعه مقالات هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، ۳۷۳-۳۸۹
۲. خمرزابلی، عارفه، حبیبی علی اصغر؛ بهروزی، مجتبی (۱۳۹۹)، «بررسی سطوح سه گانه سلامت روانی در شخصیت‌های رمان «ساق البامبو» بر اساس تئوری اینیاگرام»، *مجله نقد ادب معاصر عربی*، شماره پیاپی ۲۱، صص ۱۰۷-۱۳۷



۳. خلیلی، بختیاری (۱۳۸۷)، «نگرشی روان‌شناختی به بلوغ دختران» *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۱، صص ۱۹۷-۲۱۸
۴. روشنایی، روشنگ (۱۴۰۱)، «دگردیسی قهرمان، مبانی، فرایندها و هدف» (بخش دوم)، *نشریه طبل*، شماره ۳، صص ۹۱-۱۱۳
۵. سام خانینانی، علی اکبر و غفوری، عفت (۱۴۰۲)، «بازخوانی انیاگرامی شخصیت شیرین در منظومه شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی»، *فصلنامه مطالعات شبه‌قاره*، دوره ۱۵ شماره ۴۵، صص ۱۳۸-۱۲۳
۶. شاکر، محمدتقی، رکنی محمدتقی (۱۳۹۴)، *دگردیسی انسان در خوانش صاحب‌المیزان، نشریه سراج منیر*، شماره ۱۷، صص ۱۴۳-۱۵۸
۷. نوروزعلی، زینب (۱۴۰۰)، شخصیت قهرمانان در حکایت‌های روضه‌خلد از مجدالدین خوافی، کارنامه *متون ادبی دوره عراقی*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۸۵-۱۰۱
۸. هاشمیان، لیلا و مریم رحمانی (۱۳۹۶)، «عناصر دگردیسی در داستان شیخ صنعان و دختر ترسا»، *مجله مطالعات ایرانی*، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال شانزده، شماره ۳۲، صص ۲۰۱-۲۱۲

#### پایان‌نامه‌ها:

۱. اصحابی، سیران (۱۳۹۸)، *برساخت سوژه‌گی دختر و دخترانگی در سه رمان (هستی، زیبا صدایم کن، این وبلاگ واگذار می‌شود) فرهاد حسن‌زاده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه کردستان
۲. بردبار، معصومه (۱۳۹۶)، *تحلیل روان‌شناختی شخصیت قهرمانان نوجوان در رمان‌های واقع‌گرایی نوجوان فرهاد حسن‌زاده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه هرمزگان
۳. خمرزابلی، عارفه (۱۳۹۷)، *تیپ‌شناسی شخصیت در رمان ساق‌البامبو اثر سعود السنعوسی بر اساس تئوری انیاگرام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زابل
۴. شهریاری، رسول (۱۳۹۷)، *شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان هستی و زیبا صدایم کن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور شهرکرد

+ ۷ منبع انگلیسی که در فهرست ذیل با ترجمه کل منابع فارسی و انگلیسی آمده‌اند:

ترجمه مجموع منابع فارسی + انگلیسی:

۱. Ashabi, Siran. (۲۰۱۸), Constructing the subject of girls and girlhood in three novels (Hasti, Call me Ziba, This blog will be handed over) by Farhad Hassanzadeh. M.A. Thesis: University of Kurdistan.(in Persian)
۲. Bahmani Mutlaq, Yadollah & Furqani Elahabadi, Fahimeh (۲۰۱۴), "Investigating the linguistic differences of women and mothers in the resistance literature (based on the conversations in the novel)". Proceedings of the ۸th Persian Language and Literature Research Conference. ۳۸۹-۳۷۳. (in Persian)
۳. Bardbar Masoumeh. (۲۰۱۶), Psychological analysis of the character of teenage heroes in Farhad Hassanzadeh's realistic teenage novels, M.A. thesis: Hormozgan University. (in Persian)
۴. Baron, R; Wagele, E.(۱۹۹۴), The Enneagram Made Easy: Discover the ۹ Type of People, Harper: SanFrancisco
۵. Berghoef Kacie & Bell Melanie.(۲۰۱۷). The Modern Enneagram. USA: Althea Press
۶. Blake. A. G. E.(۱۹۹۶), The Intelligent Enneagram, London:
۷. Borchadt,D.H. & Francis, R.D.(۱۹۸۴), How To Find Out in Psychology? Oxford: Pergamon Press
۸. Haqparast, Mohammad Reza. (۲۰۱۴), Enneagram personality analysis for professional salespeople. Tehran: Nazari. (in Persian)
۹. Hashemian, Leila, Rahmani, Maryam. (۲۰۱۶), "Elements of investigation in the story of Sheikh Sanan and Christian girl", Iranian Studies Magazine. Shahid Bahonar University of Kerman. Year sixteen. Number ۳۲. (in Persian)
۱۰. Hassanzadeh Farhad. (۲۰۱۸), Hasti. Tehran: Children and Adolescent Intellectual Development Center. (in Persian)
۱۱. Kamerzin and others. (۲۰۱۶), Child's pathological psychology. Tehran. Payam Noor university. (in Persian)
۱۲. Khalili, Bakhtiari. (۱۳۸۷), "Psychological attitude towards girls' maturity" Journal of Strategic Studies of Women, vol. ۱۱. ۲۱۸-۱۹۷. (in Persian)
۱۳. Khomerzabelli, Arefeh, Habibi Aliasghar, Behrouzi, Mojtaba. (۲۰۱۹), "Investigation of the three levels of mental health in the characters of the novel "Saq al-Bamboo" based on the Enneagram theory", Contemporary Arabic Literature Review, serial number ۲۱-۲۱ (pp. ۱۳۷-۱۰۷). (in Persian)
۱۴. Khemerzabolli, Arefeh. (۲۰۱۷), Character typology in the novel Saq al-Bamboo by Saud Al-Sanaousi based on the Enneagram theory (M.A. hesis): Zabul University. (in Persian)
۱۵. Roushanaei, Roushanak .(۱۴۰۱), "The transformation of the hero; Basics, processes and purpose" (second part).Magazin Tabl. Number ۳. ۹۱-۱۱۳. (in Persian)
۱۶. Maitri, S.(۲۰۰۱), The Spiritual Dimension of the Enneagram- Nine Faces of the Soul. New York: JeremyP. Tarcher.
۱۷. May Lee R., Roberto P. (۱۹۸۵), Construction of Phenomenon and Transformation of Personality, translated by Mahmoud Mansour, Tehran: University of Tehran. (in Persian)

۸۸. Mirsadeghi, Jamal. (۲۰۱۴), Fictional Literature. Tehran: Sokhon Publishing House. (in Persian)
۹۹. Nazari Darkoli, Mohammad Reza. (۲۰۱۲), Story writing guide. Tehran: Ariapan. (in Persian)
۱۰۰. Piri, Farhad. (۲۰۱۸), Emotional relationships between personality types based on the strongest Enneagram personality model. Tehran: Sokhanvaran. (in Persian)
۱۱. Riso don Richard & Hudson russ, (۲۰۰۳), Discovery Your personality type, Houghton Mifflin, New York:
۱۲. Riso, Dan Richard and Hudson, Ross. (۲۰۱۲), Enneagram is a window beyond personality. Translated by Vajih Golnawaz and Masoud Hossein Chari. Tehran: Arjmand Kitab Publications. (in Persian)
۱۳. Rozbeh, Mohammadreza. (۱۳۸۱), Contemporary Iranian literature. Tehran: Roozgar. (in Persian)
۱۴. Seif, Aliakbar. (۱۳۸۰), Educational Psychology. Tehran. Payam Noor University Publications. (in Persian)
۱۵. Samkhaniani, Aliakbar and Ghafouri, Effat. (۱۴۰۲), "Enneagram reading of Shirin's character in the poem "Shirin and Khosro Amir Khosro Dehlavi", Journal of Subcontinent researches, Volume ۱۵, Number ۴۵. (in Persian)
۱۶. Schultz, Duane P, Schultz, Sydney Ellen. (۲۰۱۷), Theories of Personality, University of South Florida.
۱۷. Shahriari, Rasoul. (۲۰۱۷), Character and characterization in the novel You Are Beautiful and Voice Me (M.A. Thesis), Payam Noor Shahrekord University. (in Persian)
۱۸. Shahr, Mohammad Taqi, Rokni Mohammadtaqi. (۲۰۱۴), Human transformation in the reading of Sahib al-Mizan. Siraj Munir magazine. Volume ۱۷. pp. ۱۵۸-۱۴۳. (in Persian).
۹۹. Shammisa, Sirus. (۲۰۰۶), Literary types. Tehran: Mitra. (in Persian)
۱۰۰. Soleimani, Mohsen. (۱۳۷۰), Art of story writing. Tehran: Sepehr. (in Persian)
۱۱. Waqda, Kinger Lepid. (۲۰۱۲), Enneagram is the most modern personality method. Tehran: Almas Danesh.
۱۲. Zali, Mohammad. (۲۰۱۴), Introduction to Enneagram, Vol. ۱, electronic publication: bitful.ir. (in Persian)

## Analysis of Character Types and Personality Transformation in the Novel "Hasti" Based on the Enneagram Theory

\*Ali Akbar Sam Khaniani<sup>۱</sup> - Masoumeh Shahabian<sup>۲</sup> -  
Ebrahim Mohammadi<sup>۳</sup>

۱. Associate Professor of Persian Language and Literature, Birjand University, Iran.  
(Author). Email: [asamkhaniani@birjand.ac.ir](mailto:asamkhaniani@birjand.ac.ir)

۲. Master of Persian Language and Literature, Birjand University, Iran.

۳. Associate Professor of Persian Language and Literature, Birjand University, Iran.

### Article Info (۱۹۳-۲۲۰)

### ABSTRACT

**Article type:**  
Research  
Article

**Article  
history:**

Received:  
۱۸/۱۱/۲۰۲۳

Accepted:  
۱۵/۰۳/۲۰۲۴

**Keywords:**  
Character  
Analysis  
Personality  
Transformation  
Novel "Hasti"  
Enneagram

One of the most important topics in novel criticism is the analysis of the character types of the protagonist and other characters. Sometimes, the protagonist and characters undergo transformation. If this transformation has an evolutionary trend inspired by natural sciences, it is called character typification, where the protagonist or characters acquire superior types. In this descriptive-analytical research, the typification and personality transformation of the protagonist and main characters of the novel "Hasti" by Farhad Hassanzadeh have been analyzed from the perspective of the Enneagram theory. The findings of this study indicate that Hasti, the protagonist of the story, suspends her social assumptions and stereotypical norms of her gender and, with the help of her mother, aunt, and uncle, overcomes challenges comprehensively, transforming into the hero and savior of her family and society. By analyzing the personality elements of Hasti and comparing them with the Enneagram theory, Hasti is a girl with type ۴ characteristics who moves towards type ۳ after the events of the story. Hasti's mother, aunt, and uncle have a type ۶ personality and maintain their character type even with changing circumstances and the onset of war throughout the story. Hasti's father is an individual with an unhealthy type ۱ who undergoes transformation towards the serene type ۷.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی